



نویسنده:
الهام عبدالعزیز ارغانی



نشر شهادت

۱۳۹۷

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۴۸-۹۲۲-۶: ۱۲۰۰۰۰ ریال

شماره کتابشناسی ملی: ۵۵۶۳۲۶۰

عنوان و نام پدیدآور: یک خط زندگی نویسنده الهام عبدالعلی اوغلی.

مشخصات نشر: تهران: نشر شاهد، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۲۲۸ ص.

موضوع: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴

موضوع: Persian fiction: ۲۰th century

رده بندی دیوید: ۸۳/۶۲

رده بندی نگره: ۸۱۱/۱: ۴۳۱۲۵/ب/۸۱۴۸ pir

سرشناسه: عبدالعلی اوغلی، الهام، ۱۳۷۳ -

وضعیت فهرست‌نویسی: ف. ر. ب.



کتابخانه ملی

یک خط زندگی

نویسنده: الهام عبدالعلی اوغلی

گروه تولید: زهرا شیرکوند، ابوالحسن صمدی شجاع، محمد علیا مقانی، پاپور محمد حسن زاده

طراح جلد: مجید ثمر بخش

صفحه آرای: اکرم السادات حاجی رضا

سال چاپ: زمستان ۱۳۹۷

تیراژ: ۱۱۰۰ نسخه

قیمت: ۱۲۰،۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۴۸-۹۲۲-۶

«این کتاب با حمایت بنیاد شهید و امور ایثارگران استان اردبیل به چاپ رسیده است»

بسمه تعالی

پیشگفتار

این اثر به کمک و خیرِ راوی اتفاق‌ها و شخصیت‌های خود را با رویدادهای واقعی در هم آمیخته تا اثری متفاوت خلق کند. داستان از فضای هشت سال دفاع مقدس آغاز و تا زمان حال ادامه می‌یابد.

نگارنده سعی داشته، با آوردن یک شخصیت یا قهرمان خاص داد سخن سر ندهد و دست از بزرگ‌نمایی‌های غیرعادی و غیر واقعی رایج بردارد، و از طریق آفرینش شخصیت‌های غیر واقعی اما محسوس و ملموس آینه‌ای تمام‌نما از شهید، جانباز و آزاده را ارائه کند و خواننده را با حقیقت این مقدسات، خاصه مسائل و مشقات، اسارت آشنا کنند.

امید است که به‌حول و قوه‌ی الهی این دوا در مورد عنایت تمامی اسطوره‌سازان هشت سال دفاع مقدس و مورد تأیید یکای بی‌منا قرار گیرد.
الهام: عبدالعلی اوغلی

فصل اول

- ۱-۱ دیداری برای زندگی / ۹
۲-۱ نامه شماره ۱ / ۱۱
۳-۱ نامه ۲ / ۱۶

فصل دوم

- ۱-۲ پشت پنجمی امید / ۲۷
۲-۲ نامه شماره ۳ / ۲۹
۳-۲ نامه شماره ۴ / ۳۳
۴-۲ نامه شماره ۵ / ۴۱
۵-۲ نامه شماره ۶ / ۵۷

فصل سوم

- ۱-۳ رؤیای شیرین / ۶۷
۲-۳ نامه شماره ۷ / ۸۰

فصل چهارم

- دلهره / ۱۰۳

فصل پنجم

- پایان زود هنگام / ۱۲۱

فصل ششم

- لبخند عشق / ۱۵۹

فصل هفتم

- آرامشی دگرگونه / ۱۸۳

مقدمه

انسان خدایی مستند که پرواز را بلدند. پاهایشان روی زمین بند نمی‌شود. آرزوهایشان در آوازش دیگران رنگ می‌گیرد. انسان‌هایی که اسلحه را برای نفاق، دشمنی و کسب قدرت بیشتر بر نمی‌دارند اما به وقت دفاع آن را جانانه به دوست می‌کشند. برای آن‌ها آرمان‌هایشان دارایی است که برای حفظش می‌توانند همه چیزشان را فدا کنند. سر و جان می‌دهند و دل می‌دهند و فدا می‌شوند اما نمی‌گذارند چیزی به ناحق فدا شود. آن‌ها در انفجار و بمباران، میان آتش و حمول، سوختن را آموختند و سوختند تا نه وجبی از تربت مقدس‌مان را به دشمن ببخشند و نه پیکر برادرانی که هنوز هم در امانت زمین گمنام مانده‌اند.